

طراحی واحد یادگیری در آموزش ابتدایی

تعریف برنامه ریزی: برنامه ریزی فرایندی است مداوم، حساب شده و منطقی، جهت دار و دورنگر به منظور ارشاد و هدایت فعالیت های جمعی برای رسیدن به هدف مطلوب.

تعریف برنامه ریزی درسی (Curriculum Development): فرایند تدوین برنامه درسی را برنامه ریزی درسی می گویند.

- به طراحی فرصت ها، فعالیت ها و تجارب یادگیری برنامه ریزی درسی اطلاق می شود.

تعاریفی از برنامه درسی: واژه برنامه درسی (Curriculum) از ریشه لاتین (Race Course) به معنای میدان مسابقه یا فاصله و مقدار راهی است که افراد باید طی کنند تا به مقصد مورد نظر دست یابند (Zais, 1979).

دو برداشت از تعریف برنامه درسی وجود دارد:

- دسته اول برداشت تک بعدی (دیدگاه سنتی) از این رشته است و شامل موارد زیر می باشد:

- ۱- برنامه درسی به عنوان مجموعه ای از دروس یا برنامه ای برای مطالعه.
 - ۲- برنامه درسی به عنوان فهرست رئوس مطالب درسی.
 - ۳- برنامه درسی به عنوان محتوای یک درس یا مجموعه ای از دروس.
 - ۴- برنامه درسی به عنوان برنامه زمانی معین برای تدریس دروس.
 - ۵- برنامه درسی به عنوان مجموعه ای از اهداف
 - ۶- برنامه درسی به عنوان نتایج یادگیری مورد انتظار
 - ۷- مجموعه ای از صلاحیت های عملی که دانش آموز کسب می کند (تربیت برای کار و بقا)
 - ۸- برنامه درسی به عنوان یک طرح (شامل اهداف، فرصت های یادگیری و ارزشیابی)
 - ۹- برنامه درسی به عنوان تجربیات یادگیری برنامه ریزی شده (برنامه درسی رسمی)
- نتیجه گیری از تعاریف برنامه درسی در دیدگاه سنتی:** به عنوان یک طرح برای تدارک مجموعه ای از فرصت های یادگیری برای افراد تحت تعلیم.

- دسته دوم دیدگاه جدید در مورد برنامه درسی:

- ۱- برنامه درسی به عنوان مجموعه ای از تجارب یادگیری (برنامه درسی رسمی و غیررسمی یا برنامه درسی پنهان)
- ۲- برنامه درسی بعنوان باز تولید فرهنگی (انتقال آداب و سنن اجتماع به دانش آموزان)
- ۳- برنامه درسی به عنوان یک عامل بازسازی اجتماعی (بررسی فرهنگ، نقد و ارائه دیدگاه جدید)
- ۴- برنامه درسی بعنوان یک شیوه تفکر درباره مسائل مختلف (یادگیری شیوه یادگیری یا ایجاد تفکر منطقی)
- ۵- برنامه درسی به عنوان Currere: (دونده نه میدان مسابقه یعنی توجه به توانایی و ظرفیت های خود فرد).

۶- برنامه درسی بعنوان فرهنگ: توجه به نژاد، قومیت، جنسیت، طبقه اجتماعی، مذهب و تصورات در آموزش

نتیجه گیری از تعاریف برنامه درسی در دیدگاه جدید: فهم ابعاد مختلف آموزش مدرسه ای

تعریف واحد یادگیری: عبارت است از پیشبرد زنجیره وار درس ها برای بسط یک موضوع یا مضمون که در آن مفاهیم، مهارت ها و ارزش ها با بیانی روشن و دقیق بسط داده می شود.

هر کتاب آموزشی از تعدادی واحد یادگیری تشکیل شده است. هر واحد یادگیری می تواند تنها از یک درس، یا یک فصل، یا یک بخش تشکیل شده باشد. معمولاً، کتاب های آموزشی مناسب برای دانش آموزان دوره ی ابتدایی، واحدهای یادگیری ساده ای (در حد درس) دارند و در دوره های بالاتر، واحدهای یادگیری به طور گسترده تر انتخاب می شوند (چند درس که یک فصل را تشکیل می دهند، یا یک بخش که از چند فصل و هر فصل از چند درس تشکیل شده است). هر واحد یادگیری قسمت های گوناگونی دارد. این قسمت ها ممکن است، به لحاظ فیزیکی و ظاهری از یکدیگر متمایز و مشخص شده باشند و مرز معینی بین آن ها مشاهده شود. گاهی نیز بر اساس سلیقه ی مؤلفان، ممکن است بین این قسمت ها تفکیک فیزیکی به عمل نیامده باشد. در هر دو صورت، واحد یادگیری، قسمتی برای ورود به مبحث (بخش ورودی)، قسمتی برای پرداختن به اصل موضوع (بخش اصلی) و قسمتی برای پایان بخشیدن به درس (بخش پایانی) دارد.

- بخش ورودی

در دیدگاه های جدید یادگیری که به یادگیری معنادار، ساخت گرایی، رشد شناختی و فراشناختی اهمیت بیش تری می دهند، بخش ورودی واحد یادگیری از اهمیت زیادی برخوردار است. در واقع این بخش به منظوره های زیر سازماندهی می شود:

۱-۱- ایجاد انگیزه در یادگیرنده؛

۱-۲- مشخص کردن حوزه و موضوع یادگیری؛

۱-۳- ایجاد ارتباط بین موضوع یادگیری و کاربردهای آن در زندگی فراگیر.

لازم به ذکر است که بخش ورودی واحد یادگیری الزاماً نباید به صورت متن و با جملاتی هدف گونه تألیف شود. بلکه گاهی آوردن یک عکس یا تصویر، طرح چند پرسش و یا ارائه ی متنی کوتاه درباره ی موضوع یادگیری می تواند، زمینه ی دستیابی به مقاصد فوق را به خوبی فراهم آورد. به نظر می رسد در دوره ی ابتدایی بر جذابیت های بصری و احساسی و در دوره های بالاتر بر جذابیت های فکری و کاربردی (مفید بودن) باید تأکید بیش تری ورزید. حتی گاهی می توان واحد یادگیری را با یک فعالیت جالب و چالش برانگیز (عملی یا نظری) آغاز کرد.

- بخش اصلی

این بخش، رویکرد، هدف ها، روش ها، ملیت و هویت، ارزش یابی و اصول سازماندهی محتوا را در خود مستتر دارد. پس از بخش آغازین واحد درسی، نوبت به بخش اصلی می رسد که اسکلت اصلی کتاب را تشکیل می دهد و شایسته است، مؤلفان تمامی همت خویش را صرف سازماندهی با کیفیت این بخش کنند.

به نظر می رسد در این بخش سه نوع سازماندهی باید به طور هم زمان مورد توجه مؤلف باشد:

۲-۱- سازماندهی فکری مطالب کتاب؛

۲-۲- سازماندهی شکلی مطالب؛

۲-۳- سازماندهی چاپی کتاب.

-بخش پایانی

بخش پایانی یک واحد یادگیری، سه نقش را به طور عمده ایفا می کند:

الف) جمع بندی و مرور آموخته های واحد یادگیری؛

ب) مرتبط ساختن آموخته های آن واحد با یکدیگر و با آموخته های پیشین (توجه به نقشه ی مفاهیم)؛

ج) فراهم ساختن دریچه ای به سوی یادگیری های فراتر.

واحد یادگیری، در عین توجه به هدف های دانشی، باید زمینه های لازم را برای پرورش و توسعه ی هدف های مهارتی و نگرشی موردنظر در برنامه ای که بر اساس آن تنظیم شده یا برنامه ی درسی مربوطه در نظام آموزشی، فراهم کند. یکی از راه های دستیابی به تعادل در پرورش هدف های دانشی، مهارتی و نگرشی به طور هم زمان، طراحی فعالیت های یادگیری است که در آن ها، از طریق به کارگیری مهارت ها، هدف های دانشی و نیز نگرشی محقق می شوند. به عبارت دیگر، لازم است که هدف های دانشی، مهارتی و نگرشی با دیدگاهی تلفیقی مورد عنایت قرار گیرند.

- چرایی طراحی واحد یادگیری

طراحی واحد یادگیری در نظام های غیر متمرکز یک نیاز ضروری برای تهیه محتوای آموزشی است به خاطر این که در این نظام ها موضوعات مشخص اما محتوا توسط معلم یا با همکاری معلم و فراگیر تهیه می شود. یعنی برای این که مشخص شود چه محتوایی تهیه و چگونه تهیه، اجرا و ارزشیابی شود باید فرد طراح اطلاعات کافی از طراحی واحد یادگیری داشته باشد و الا در عمل به مشکل برخورد خواهد کرد. در نظام های متمرکز هم در موارد زیر نیاز به طراحی واحد یادگیری است که باید معلم مربوطه دانش کافی در این زمینه داشته تا بتواند اقدام به تهیه واحد یادگیری نماید:

۱- آموزش برخی مفاهیم به تشخیص معلم یا به توصیه کتب درسی

۲- در برخی دروس مثل پژوهش و تفکر، کار و فناوری، هنر، تربیت بدنی و.. که یا فاقد کتاب درسی اند و یا پیشنهاداتی در کتاب درسی جهت انجام پژوهش یا کار عملی صورت گرفته نیاز است که معلم از شیوه طراحی واحد یادگیری اطلاعاتی داشته باشد

۳- در فعالیت های فوق برنامه مثل آموزش های بهداشتی، مذهبی، زیست محیطی، رشد جمعیت و...

۴- در تهیه کتب کمک آموزشی

۵- در طراحی کارهای آزمایشگاهی و عملی

۶- جهت اظهار نظر و اصلاح کتاب های درسی

****موارد مربوط به انتخاب یک متن (واحد یادگیری) از کتب دوره ابتدایی و بررسی آن از لحاظ**

چرایی، چیستی و چگونگی

۱- علت یا چرایی انتخاب محتوا: نیاز دانش آموزو جامعه، ارتباط با دروس سال قبل و بعد، اهمیت موضوع، موضوعات تخصصی و پایه و...

۲- چیستی: تعریف و توضیح مختصر موضوع درس، اهداف کلی درس در ارتباط با خود، خدا، خلق و طبیعت، اهداف رفتاری و..

۳- چگونگی: شیوه های تدریس (سنتی و نوین، فعال و غیر فعال)، محیط یادگیری، نقش معلم، نحوه ارزشیابی (شفاهی، کتبی، عملی، آزمایشگاهی، کمی یا کیفی)

دیدگاه های برنامه درسی

دیدگاه برنامه درسی عبارت است از یک موضع گیری اساسی درباره یاددهی و یادگیری در ابعاد گوناگون نظری و عملی. برخی از این ابعاد عبارتند از:

- آرمان های تربیتی (اهداف در سطوح مختلف)

- تلقی نسبت به یادگیرنده (فعال یا منفعل)

- تلقی نسبت به فرایند یادگیری (تغییر رفتار یا ظرفیت درونی دانش آموز)

- تلقی نسبت به فرآیند آموزشی (گام های مشخص یا خط مشی کلی)

- تلقی نسبت به محیط یادگیری (باز و انعطاف پذیر یا بسته و از پیش تعیین شده)

- نقش معلم (دستوری یا تسهیل کننده یادگیری)

- تلقی نسبت به ارزشیابی آموخته ها (کمی و مبتنی بر معیار یا نتیجه محور، کیفی و فنون تجربی یا فرآیند محور)

دیدگاه های برنامه درسی و ارتباط آن با ساختار واحد یادگیری

دیدگاه رفتاری: دیدگاه رفتاری در آموزش و پرورش نفوذ بسیاری داشته و از طریق نهضتی موسوم به « قابلیت مدار » این تأثیر استمرار یافته است. آموزش و پرورش قابلیت مدار بر هدف های رفتاری، اندازه گیری مبتنی بر معیار و سایر تدابیر ناظر به پاسخگویی تأکید می ورزد. آموزش و پرورش قابلیت مدار با تأکید بر هدف های رفتاری، آزمون های مبتنی بر معیار و شیوه های یادگیری درصد تسلط و همچنین حداقل قابلیت های ضروری برای فراغت از تحصیل را تحت تأثیر قرار داده است.

کاربرد اصول رفتار گرایی در جریان تدریس

- ۱ - نخستین وظیفه معلم تعیین اهداف آموزشی جهت پیش بینی نتیجه گیری یا تغییر رفتار مطلوب در فراگیران است.
- ۲ - اجرای گام به گام مراحل پیچیده سبب تسهیل یادگیری و تقویت خواهد شد.
- ۳ - اهداف آموزشی باید به اهداف جزئی و رفتاری تبدیل شوند .
- ۴ - انجام آزمون های پی در پی و منظم در کلاس درس ضرورت دارد.
- ۵ - انجام تمرین و تکرار می تواند نقش نسبتاً "مهمی در ثبت رفتار داشته باشد.
- ۶ - استفاده از روش تدریس مستقیم
- ۷ - آموزش برنامه ای (رایانه ای) به حالت گام به گام
- ۸ - استفاده از آن در مدیریت کلاس و تصحیح رفتار

-آرمان های تربیتی: اکتساب قابلیت های خاص در قلمرو شناختی ، عاطفی و روانی - حرکتی به وسیله دانش آموزان.

-تلقی نسبت به یادگیری: یادگیری شامل نشان داد واکنش در برابر محرک هاست به گونه ای که معرف به دست آوردن قابلیت های مورد نظر باشد .

تلقی نسبت به یادگیرنده: می تواند در اکتساب قابلیت های گوناگون توفیق یابد . یادگیرنده منفعل است.

تلقی نسبت به فرآیند آموزشی: شناسایی قابلیت های مطلوب و نتایج رفتاری و طراحی آموزش به منظور انتقال برنامه و دست
یابی به هدف ها

تلقی نسب به محیط یادگیری: محیط یادگیری بسته و از پیش تعیین شده است .

نقش معلم : معلم نقش فعالی دارد و برنامه هایی تدارک می بیند تا دانش آموزان بتوانند به قابلیت های مختلف دست یابند.

- تلقی نسبت به ارزشیابی آموخته ها: آزمون های مبتنی بر معیار استفاده می شوند و ارزشیابی نتیجه محور است..

دیدگاه فرآیندشناختی: این دیدگاه به مطالعه نحوه ی تفکر در انسان می پردازد و برنامه هایی را تدوین می کنند که حالت

های مختلف تفکر (استدلال) را تقویت کند . برخی از طرفداران این دیدگاه معتقدند که چنین برنامه هایی باید کانون اصلی

توجه نظام آموزشی را تشکیل دهند . برای مثال کارل برایتز از تمرکز مدارس بر آموزش مهارت های موسوم به ۳R (خواندن

، نوشتن و حساب کردن) و مهارت های تفکر حمایت کرده است . دیوید آزوبل الگوی « پیش سازمان دهنده » را مطرح

ساخته و فلویید رایینسون و همکارانش اجرای پروژه با هدف رشد مهارت های فکری و حل مساله بیان کرده اند . هیلداتا با

ارائه رویکرد خود موجب تحریک و تقویت قابلیت تفکر استقرایی یعنی توان تفسیر داده و استخراج تعمیم ها از آن ها می شود .

کاربرد اصول فرایند شناختی در جریان تدریس (از گانیه، ۱۹۷۷)

- ۱ - ایجاد انگیزه
- ۲ - متمرکز کردن توجه فراگیران به ویژگی های بارز و مهم موضوع (مرحله اندریافت)
- ۳ - ارائه مثال جهت افزایش تجسم ذهنی فراگیران (مرحله اخذ یا رمز خوانی)
- ۴ - ارائه اطلاعاتی که شباهت زیادی باهم ندارند و از داخل (که یکی از عوامل فراموشی است) جلوگیری می کنند در نگهداری اطلاعات در حافظه کمک می کنند (مرحله نگهداری)
- ۵ - فراخوانی اطلاعات از حافظه دراز مدت با پرسش، مرور درس پیشین، طرح سوال ضمن تدریس. البته سازمان بندی مطالب به فراخوانی کمک می کند. (مرحله فراخوان)
- ۶ - انتقال یادگیری به موقعیت های جدید (رشد تفکر منطقی و قدرت استدلال) با ارائه مسایلی که فراگیر با آن ها آشنایی ندارد ولی در صورت ارتباط دادن اصول اخذ شده پیشین به یکدیگر می تواند آن ها را حل نماید. (مرحله تعمیم)
- ۷ - فراهم ساختن موقعیتی که فراگیر در آن بتواند دانسته ها و در کل یادگیری خود را به نمایش بگذارد. طرح سوال مفهومی پس از گذاشتن فاصله زمانی از تدریس نه بلافاصله از تدریس. (مرحله عمل و عملکرد).
- ۸ - ارائه بازخورد به فراگیر در مورد عملکردش (مرحله بازخورد و تقویت)

-آرمان های تربیتی: پرورش مهارت های فکری (استنباط کردن، تفکر نقاد، فرضیه سازی، تفکر جانبی)

-تلقی نسبت به یادگیری: هر کدام از نظریه پردازان بر سبک خاصی از تفکر توجه می کنند (قیاسی، استقرایی و تفکر جانبی)

تلقی نسبت به یادگیرنده: یادگیرنده فردی است که در جریان یادگیری فعال است و اطلاعات را دستکاری می کند.

تلقی نسبت به فرآیند آموزشی: در تفکر قیاسی (آزویل): ارائه پیش سازمان دهنده - ارائه مطالب جدید - روشن کردن رابطه بین پیش سازمان دهنده و مطالب جدید.

در حل مساله (راینسون): شناسایی مساله - شناسایی راه حل ها - جمع آوری اطلاعات - تجزیه و تحلیل اطلاعات - نتیجه گیری - ارزیابی

تفکر استقرایی (تابا) (تکوین مفهوم): اقلام (اشیاء، مفاهیم) را برشمارید - ویژگی های مشترک اقلام در یک گروه را شناسایی کنید - برای گروه ها عنوان انتخاب کنید - ویژگی ها را زیر عنوان ها جا دهید.

تلقی نسب به محیط یادگیری: محیط حاوی مواد و منابع آموزشی ای است که مشوق فرآیندهای شناختی گوناگون باشد.

نقش معلم: معلم بعنوان تسهیل کننده یادگیری است وبا استفاده از پرسش، مساله و تمثيل تفکر را ترغیب می کند.

- تلقی نسبت به ارزشیابی آموخته ها: فرآیندها و مهارت های شناختی باید در کانون توجه ارزشیابی قرار گیرند.

چند سوال:

۱- تعریف برنامه ریزی

۲- تعریف برنامه ریزی درسی

۳- تفاوت تعریف برنامه درسی از دیدگاه سنتی با دیدگاه جدید

۴- به نظر شما تعریف سنتی از دیدگاه برنامه درسی مناسب است یا تعریف جدید چرا؟

۵- واحد یادگیری یعنی چه؟

۶- هر واحد یادگیری شامل چه قسمت هایی است؟

۷- ضرورت طراحی واحد یادگیری در نظام آموزشی ما که متمرکز است، چیست؟

۸- دیدگاه رفتارگرایی نسبت به فرآیند یاددهی - یادگیری چگونه است؟

۹- دیدگاه شناختی نسبت به فرآیند یاددهی - یادگیری چگونه است؟

دیدگاه انسان گرایانه: آموزش و پرورش انسان گرایانه را می توان تا حدودی معلول زیاده روی در دیدگاه دیسیپلنی ارزیابی کرد. در آموزش پرورش انسان گرایانه توجه بر دو موضوع معطوف است یکی از آن ها رشد خود پنداره ی دانش آموزان است دیگری رشد مهارت های میان فردی است. از جمله افراد موثر در دیدگاه انسان گرایانه آبراهام مازلو با طرح مفهوم « خود شکوفایی » است. خود شکوفایی هدف اصلی بسیاری از برنامه های انسان گرایانه است. ارزش ها و غایات در فضا یا بستر انسان گرایانه اهمیت دارند و از نظر انسان گریان تأکید بر فن آوری آموزش، کافی نیست در عوض تأکید اصلی بر کاوش و دستیابی به ارزش های فردی و اجتماعی است.

کاربرد اصول دیدگاه انسان گرایانه در جریان تدریس

۱ - فراگیران تا حد امکان در انتخاب موضوعات درسی آزاد باشند (در نظر گرفتن علاقه و خواست های فراگیران)

۲ - معلم با طرح جملاتی باید میزان خود پنداره، اعتماد به نفس و به طور خلاصه رسیدن به خویشتن سازی را رشد دهد.

۳ - صداقت معلم ، ارزش گذاری به احساسات ، مهارت ها و تفکرات فراگیران و احساس همدلی و همدردی با فراگیران (معلم خود را به جای آن ها قرار دهد).

۴ - ارزیابی در کلاس باید بر اساس پیشرفت فردی باشد زیرا نمی توان در مقام مقایسه با دیگران پیشرفت فردی را سنجید.

۵ - به نیازهای اساسی فراگیران توجه شود . این نیازها به مسایل ادراکی و شناختی مربوط نیستند ، بلکه عوامل احساسی و نگرشی از اهم موضوعات می باشند.

-آرمان های تربیتی: پرورش خود پنداره مثبت و مهارت های میان فردی

-تلقی نسبت به یادگیری: یادگیری باید معنای شخصی مرتبط دانسته شود به این معنا که یادگیری به طور فردی (شخصی) متناسب سازی شده باشد

تلقی نسبت به یادگیرنده: به دانش آموزان به منزله عناصری قادر وقابل اعتماد نگریسته می شود.

تلقی نسبت به فرآیند آموزشی: برخورداری دانش آموز از حق انتخاب درباره آنچه در کلاس درس اتفاق می افتد است همچنین نگرانی ها و دل مشغولی های احساس شده به وسیله دانش آموز نیز باید در کلاس درس مطرح شود.

تلقی نسب به محیط یادگیری: معلم باید فضایی دلسوزانه و سرشار از اعتماد در کلاس درس حاکم کند . دانش آموز نباید احساس خطر و تهدید بکند تا بتواند احساسات خود را با دیگران در میان بگذارد.

نقش معلم : معلم باید نسبت به اندیشه های جدید با گشودگی برخورد نماید و بدین ترتیب خود یک یادگیرنده نیز باشد.

- تلقی نسبت به ارزشیابی آموخته ها: ارزشیابی شامل ارائه بازخورد صادقانه و یاری رساننده به دانش آموزان است .

- توالی، وسعت ، تعادل ، استمرار و وحدت واحد یادگیری

در تنظیم محتوای یک کتاب آموزشی، باید اصولی از جمله توالی، وسعت، تعادل ، استمرار و وحدت یادگیری مورد عنایت قرار گیرند

• **توالی** به معنای ایجاد نظم منطقی در سازماندهی محتوا، هم چون رعایت تنظیم مفاهیم و مهارت ها براساس ساده به مشکل، و با توجه به پیش نیازها تنظیم از جزء به کل (و در صورت لزوم از کل به جزء براساس دیدگاه روان شناختی مربوط) و نظم کرونولوژیکی وقایع است. همچنین، رعایت ساختار دانش در این اصل متجلی می شود.

• **وسعت** به معنی شمول محتوا و پوشش دادن به ابعاد گوناگونی است که درباره‌ی موضوع کتاب مطرح هستند و به پوشش دادن کامل به محتوای آموزشی مورد نظر منجر می‌شوند.

• **تعادل** به معنی وزن‌دهی مناسب به هدف‌های گوناگون مورد نظر در کتاب آموزشی است. برای مثال، اگر بخشی از

محتوای آموزشی کتاب بنا به دلایلی اهمیت بیش‌تری برخوردار است، باید هنگام پردازش کتاب، به آن حجم بیش‌تری اختصاص داده شود. همچنین، رعایت تعادل بین هدف‌های دانشی و هدف‌های مهارتی بسیار اهمیت دارد.

• **استمرار و تداوم:** توجه به ارتباط طولی (عمودی) بین یک موضوع در بخش‌های گوناگون یک کتاب یا یک موضوع در چند کتاب اطلاق می‌شود.

• **وحدت یا یگانگی:** به ارتباط عرضی (افقی) فعالیت‌های برنامه درسی اطلاق می‌شود. پیوستگی و ارتباط بین مطالب چند کتاب با همدیگر

روش‌های تدریس

تعریف تدریس: ۱- عبارت از هر فعالیتی است که از جانب یک فرد به منظور تسهیل یادگیری فرد دیگری انجام می‌پذیرد (گیج)

۲- تدریس فرآیندی از اعمال است که در تهییج یادگیری صورت می‌پذیرد (اسمیت ۱۹۶۰)

۳- فعالیتی که برای ایجاد تغییر در رفتار یادگیرنده طراحی و اجرا می‌شود (کلارک)

۴) تدریس عبارت است از سه نوع اعمالی که معلم انجام می‌دهد:

الف) اعمال منطقی (شامل توضیح دادن، تعریف کردن و...)

ب) اعمال راهبردی (شامل ایجاد انگیزه، تشویق، ارزیابی فراگیران و...)

ج) اعمال اداری (شامل مشورت با والدین، حضور غیاب و...) (گرین ۱۹۷۱)

ویژگی‌های یادگیری در آموزش ابتدایی

۱ - **عینی بودن:** عمل ذهنی کودک محدود به اشیایی است که در اختیار دارد و آنها را به طور مستقیم تجربه می‌کند. پیازه

معتقد است چون کودکان در دوره ابتدائی به دوره عملیات عینی گام می‌گذارند، تجارب عینی باید اساس یادگیری

شناختی باشد موضوعات درسی و مفاهیم مورد آموزش را باید شاگردان در محیط زندگی خود تجربه کرده باشند و آنها

را مشاهده و بررسی نمایند و از مثالهایی استفاده شود که دانش آموزان در زندگی روزمره خود با آن سر و کار داشته و

آن را مشاهده کرده باشد تا مفاهیم درسی برای آنان قابل فهم باشد.

۲- عملی بودن: یادگیری در دوره ابتدایی باید مبتنی بر فعالیت های فراگیر باشد، مشارکت فعال فراگیر در یادگیری بسیار مهم است و فراگیر به آن اندازه که فعال است یاد می گیرد. مفاهیم و موضوعات آموزشی باید جنبه علمی داشته باشند تا شاگردان بتوانند در تکرار و تمرینات آنها را انجام دهند.

۳- ذوقی بودن: مفاهیم درسی باید ذوق و اشتیاق یادگیری را در دانش آموزان افزایش دهد و انگیزه یادگیری را در آنها افزایش دهد.

۴- تلفیقی بودن: برای یادگیری بهتر معلمان باید از چند روش در تدریس استفاده کنند و از حواس مختلف شاگردان در یادگیری استفاده نمایند و شاگردان را درگیر یادگیری کنند. انتخاب روش های تدریس ترکیبی به دو دلیل عمده توصیه می شود: اولاً "یک روش خاص ممکن است برای انتقال نوع معینی از دانش مناسب نباشد. ثانیاً": بعضی فراگیران ممکن است با یک روش خاص با سهولت بیشتری مطالب را بیاموزند.

۱- انواع روش های تدریس کدامند؟

طبق کتاب امان اله صفوی روش های تدریس دو دسته هستند:

الف) تاریخی (سقراطی و نظام مکتبی ایران)

ب) روش های نوین (توضیحی، سخنرانی، اکتشافی، حل مساله، مباحثه، پرسش و پاسخ، پروژه، یادگیری فردی، آزمایشی، نمایشی، گردش علمی، بازی های تربیتی، فن تمرین)

اما طبق برخی کتب دیگر روش های تدریس در دودسته زیر طبقه بندی می شوند:

الف) روش های تدریس سنتی و متداول: برخی روش های تدریس سنتی عبارتند از:

(۱) روش سخنرانی

(۲) روش نمایشی

(۳) روش پرسش و پاسخ

ب) روش های جدید تدریس: روش تدریس فعال و نوین که در آن مشارکت دانش آموز و معلم را می طلبد و به جای انتقال مطالب به دانش آموز، به افزایش توانایی یادگیرنده درقرآیند یادگیری عنایت دارد. برخی از روش های نوین تدریس:

۱- روش کاوشگری

۲- روش دریافت مفهوم (مهارتهای اساسی تفکر)

۳- روش تفکر استقرایی

۴- روش یادگیری مشارکتی

۵- روش تدریس با رویکرد فراشناخت

۶- روش تدریس طرح های شبکه ای

۷- روش تدریس بارش فکری